

رئوس مطالب مطالعه شفاف‌سازی  
ایوب، امثال، جامعه  
عبارت‌های کلیدی

مقصود خدا از رسیدگی به کسانی که عاشق او هستند این است که آنها بتوانند او را به حد کمال به دست آورند، خیلی بیشتر از چیزهای غیر از او که از دست داده‌اند (فیلیپیان ۳: ۷-۸)، تا او بتواند از طریق آنها، برای تحقق مقصودش در آفریدن انسان، ابراز شود.

ایوب انسان خوبی بود که خودش را در بی‌عیبی، درستی، و کاملیت خود ابراز می‌کرد، ولی قصد خدا کاستن ایوب بود، که او هیچ شده ولی جان‌ش حفظ شود، خدا در او افاضه شده، و او یک خدا-انسان شود، تا خواص الهی را ابراز کند.

مقصود خدا از رسیدگی به مردم مقدس خود این است که آنها از همه چیز خالی شوند و فقط خدا را به عنوان منفعت خود دریافت کنند؛ خواست قلبی خدا این است که آنها او را به طور کامل به عنوان حیات، به عنوان تأمین حیات، و همه چیز وجودشان کسب کنند.

وقتی مردم برگزیده و بازخرید شده خدا مسیح را به عنوان حکمت از جانب خدا به آنها، تجربه کرده و از غنای مسیح برخوردار شده و مسرت می‌برند، این غنا آنها را به عنوان کلیسا ترکیب می‌کند، که از طریق آن، حکمت گوناگون خدا به ریاستها و قدرتهای فرشتگان در جایهای آسمانی شناسانیده می‌شود.

## پیام یک

### پرسشی بزرگ در کتاب ایوب و پاسخی بزرگ

مطالعه متون مقدس: ایوب ۱: ۱؛ ۱۰: ۲، ۱۳؛ افسسیان ۳: ۹؛ ایوب ۴۲: ۵-۶

۱. آن چهل و دو باب در کتاب ایوب، در ما یک پرسش بزرگ دو بخشی ایجاد می‌کنند: مقصود خدا از آفریدن انسان چیست، و مقصود خدا از رسیدگی به مردم برگزیده‌اش چیست؟ - ۱: ۱؛ ۱۰: ۲، ۱۲-۱۳؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۳: ۴

آ. ایوب به خدا گفت: «آگاهم ساز که چرا با من مجادله می‌کنی (۱۰: ۲)؛ این چیزها را در دل خود پنهان داشتی، / و می‌دانم که اینها در فکر تو بود» (آ. ۱۳).

ب. این امر نشان می‌دهد که ایوب نمی‌توانست پاسخی برای رفتار خدا با او یابد، ولی باور داشت که می‌بایست یک دلیل پنهانی در دل خدا می‌بود؛ آنچه در دل خدا پنهان بود، راز اعصار است - همان اقتصاد جاودان خدا - افسسیان ۳: ۹.

۲. پاسخ بزرگ به این پرسش بزرگ، آن رازی است که سرتاسر اعصار در خدا پنهان بوده، همان اقتصاد جاودان خدا، که قصد جاودان خدا با خواست قلبی اوست برای توزیع خودش در تثلیث الهی به عنوان پدر در پسر توسط روح به درون مردم برگزیده‌اش، تا حیات و ذات آنها باشد که آنان بتوانند به جهت پُری خدا، ابراز خدا، آن موجودیت زنده، یعنی بدن مسیح به عنوان انسان نو باشند، که در اورشلیم نو تکامل می‌یابد - اول تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ افسسیان ۳: ۱۹؛ پیدایش ۱: ۲۶؛ اشعیا ۴۳: ۷؛ رومیان ۸: ۲۹؛ اول یوحنا ۳: ۲:

آ. ایوب و دوستانش فکر می‌کردند که رنج او به علت داوری خدا بود؛ ولی رنج‌های ایوب داوری خدا نبود بلکه تهی کردن و تحلیل دادن [کاستن، از پا در آوردن] توسط خدا بود تا خدا بتواند ایوب را به دست آورد و ایوب بتواند خدا را بیشتر به دست آورد.

ب. هرچند خدا ایوب را تهی می‌کرد، به یقین از ایوب خشمگین نبود؛ همچنین خدا ایوب را مخالف خود ندانسته، بلکه او را دوست نزدیک خود می‌دانست - ایوب ۱۹: ۱۱؛ ۱۰: ۱۳.

پ. خدا می‌دانست که ایوب پس از مدت زمانی رنج کشیدن، با تثلیث الهی بازسازی می‌شد تا بتواند شخصی دیگر شود - یعنی انسانی نو، خلقتی نو (غلاطیان ۶: ۱۵)، تا اقتصاد جاودان خدا را برای ابراز خدا تحقق دهد (دوم قرن‌تیا ۵: ۱۷)؛ این همان پاسخ بزرگ به آن پرسش بزرگ در کتاب ایوب است.

ت. ما در خواندن کتاب مقدس باید توجه خود را به اقتصاد ابدی خدا برای توزیع الهی جلب کنیم؛ تا وقتی که اقتصاد خدا را نشناسیم، کتاب مقدس را نخواهیم فهمید؛ قصد خدا با ایوب این بود که ایوب را مرد خدا کند، یعنی کسی که بر طبق اقتصاد الهی، با خدا ترکیب شده باشد:

۱. کتاب مقدس با شصت و شش کتاب، فقط برای یک چیز است: برای اینکه خدا در مسیح توسط روح، خودش را در ما توزیع کند تا حیات، ذات، و همه چیزمان باشد، و تا ما مسیح را زیست و ابراز کنیم؛ این باید اصل حاکم در زندگی ما باشد - یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ اول قرن‌تیا ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۸: ۲، ۱۰، ۶، ۱۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ دوم قرن‌تیا ۳: ۶.

۲. رسیدگی خدا به ایوب، برای آوردن او از حوزه اخلاقیات به حوزه کسب خدا بود، تا او از پیگیری بی‌عیب شدن در اخلاقیات، به پیگیری و به دست آوردن خدا بیش از هر چیز دیگر، بازگردانده شود؛ جایگاه انسان در برابر خدا بر اساس این است که او خدا را تا چه حد به دست آورده است - مزامیر ۲۷: ۸؛ ۱۰۵: ۴؛ فیلیپیان ۳: ۸؛ متی ۲۵: ۳-۴، ۹؛ امثال ۲۳: ۲۳؛ مکاشفه ۳: ۱۸؛ دوم قرن‌تیا ۳: ۱۸؛ ۴: ۱۷؛ اول پطرس ۲: ۷؛ دانیال ۵: ۲۷؛ ۹: ۲۳؛ ۱۰: ۱۱، ۱۹.

۳. مقصود خدا از رسیدگی به مردم مقدس خود این است که آنها از همه چیز خالی شوند و فقط خدا را به عنوان منفعت خود دریافت کنند؛ او می‌خواهد مردمش، به جای همه چیزهای دیگر، او را کسب کنند، از

او برخوردار شوند، او را تصرف نمایند و از او بیشتر و بیشتر مسرت ببرند تا این که مسرت آنها به حد کمال برسد و آنها تبدیل به اورشلیم نشوند - متی ۵: ۳؛ مزامیر ۴۳: ۴؛ ۷۳: ۲۵-۲۶؛ فیلیپیان ۳: ۸-۹؛ مکاشفه ۲: ۲۱.

۴. این اهمیت ذاتی کل عهد جدید به عنوان پاسخی بزرگ به آن پرسش بزرگ در کتاب ایوب درباره مقصود خدا از آفریدن انسان و رسیدگی به مردم برگزیده اش است.

۳. مشکل اساسی ایوب این بود که او از خدا کم داشت؛ در کل رسیدگی های خدا به ایوب، قصد خدا کاستن ایوب بود، که او هیچ شده ولی جانش حفظ شود (۲: ۶) تا خدا بتواند زمانی برای افاضه کردن خود به درون ایوب داشته باشد؛ خدا فقط به یک مورد اهمیت می دهد - اینکه در ما بکار برده شود (افسسیان ۳: ۱۶-۱۹):

آ. ایوب در نظر خود پارسا بوده (ایوب ۶: ۳۰؛ ۹: ۲۰؛ ۲۷: ۵-۶؛ ۳۲: ۱)، و از خودش راضی بود، ولی از وضع رقت انگیز خود در برابر خدا ناآگاه بود (م. ش. مکاشفه ۳: ۱۶-۱۸).

ب. جلال ایوب بی عیبی و درستی او بوده و تاج او کاملیت اش بود؛ خدا جلال او را از او گرفته و تاج را از سرش برداشت (۱۹: ۹)؛ امید ایوب این بود که «درخت» کاملیت خود را بنا کند، ولی خدا نمی گذاشت که چنین درختی در درون ایوب رشد نماید؛ در عوض، خدا این درخت، این امید، را ریشه کن کرد (آ. ۱۰)، تا ایوب به حوزة به دست آوردن خدا آورده شود.

پ. خدا می خواست ایوب بداند که او در قلمرو اشتباه بنای خود به عنوان انسانی در خلقت کهنه، در بی عیبی، درستی، و کاملیت خود بود؛ ایوب خودش را در این چیزها جلال می داد، ولی خدا آن چیزها را موانعی می دانست که باید از بین می رفتند تا ایوب بتواند ذات، حیات، عنصر و جوهر خدا را دریافت کرده، و از این رو، به طور سوخت و سازی دگرگون شود تا تبدیل به یک خدا-انسان، یعنی انسانی در خلقت نو گردد که خدا را ابراز کرده و او را به دیگران توزیع می کند - دوم قرن تیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۴: ۱۰؛ افسسیان ۳: ۲.

ت. قصد خدا با ایوب این بود که ایوب طبیعی، که در بی عیبی و درستی خودش بود، را فرو ریزد تا بتواند ایوبی تازه را در ذات و خواص خدا بنا سازد؛ انضباط [تأدیب] توسط روح القدس، وجود طبیعی ما را فرو می ریزد تا به طور تازه ترکیب شویم - دوم قرن تیان ۴: ۱۶-۱۸؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹.

ث. کار روح القدس در درون ما این است که وجودی نو برای ما ترکیب کند، در حالی که کار روح القدس از بیرون این است که هر جنبه از وجود طبیعی ما را، از طریق محیط ما، فرو ریزد؛ ما باید با روح عمل-کننده همکاری کرده و محیطی که خدا برای ما ترتیب داده است را بپذیریم - فیلیپیان ۴: ۱۲؛ افسسیان ۳: ۱؛ ۴: ۱؛ ۶: ۲۰؛ اول قرن تیان ۷: ۲۴.

ج. مقصود اصلی از رنج کشیدن در این عالم، بخصوص در رابطه با فرزندان خدا، این است که از طریق آن، ذات خدا می تواند به درون ذات انسان آورده شود تا انسان بتواند خدا را به حد کمال به دست آورد - دوم قرن تیان ۱: ۸-۹؛ ۴: ۱۶:

۱. در حالی که خدای زنده می تواند اعمال زیادی از طرف انسان انجام دهد، حیات و ذات خدای زنده به درون انسان بکار برده نمی شود؛ ولی وقتی خدای رستاخیز کار می کند، حیات و ذات او به درون انسان بکار می رود - آ. ۱۶.

۲. خدا کاری نمی کند که قدرتش در اعمال ظاهری شناخته شود، بلکه کاری می کند که خود را در انسان افاضه کرده و بکار برد؛ خدا از محیط استفاده می کند تا حیات و ذات خود را در ما بکار برد - غلاطیان ۴: ۱۹؛ دوم قرن تیان ۴: ۷-۱۲؛ اول تسالونیکیان ۳: ۳؛ یوحنا ۱۶: ۳۳.

۳. برای زیستن در رستاخیز و ترکیب شدن با خدای رستاخیز، ما باید از طریق «همه چیز» همشکل صورت مسیح به عنوان پسر نخست زاده خدا شویم - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ عبرانیان ۱۲: ۱۰؛ ارمنی ۴۸: ۱۱.

۴. ما وقتی که در وسط رنج ها هستیم، شاید به خدا شکایت کنیم، ولی شکایت ما شاید بهترین و خوشایندترین دعا نزد خدا باشد؛ همان طور که شکایت می کنیم، خدا شادی می کند چون او باعث می شود که همه چیز برای خیریت در کار باشد، تا ما همشکل صورت پسر نخست زاده او شویم - م. ش. مزامیر ۱۰۲، عنوان.

۴. حرکت خدای سه‌یکتا به جهت الهی نمودن انسان برای تحقق اقتصاد خدا، که به دست آوردن ابراز خودش است، کاملاً در روح در هم آمیخته می‌باشد، یعنی روح الهی در هم آمیخته با روح انسانی. ما به عنوان یک روح – اول قرن‌تین ۶: ۱۷؛ مکاشفه ۱: ۱۰؛ ۴: ۲؛ ۱۷: ۳؛ ۲۱: ۱۰؛ م. ش. ایوب ۱۲: ۱۰؛ ۳۲: ۸:

آ. ما در زندگی مسیحی خود باید توسط روح زندگی و رفتار کنیم؛ ما باید هر کاری می‌کنیم و هر چه هستیم توسط روح، با روح، در روح، و از طریق روح باشد؛ پس ما باید به روحمان توجه کرده، همه کار را با تمرین دادن روحمان انجام دهیم تا آن روح الهی که در ما زیست کرده، خانه خود را می‌سازد، و ما را دگرگون می‌نماید را تجربه کنیم – غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ رومیان ۸: ۴، ۶؛ دوم قرن‌تین ۲: ۱۲-۱۴؛ ملاکی ۲: ۱۵-۱۶.

ب. ما نباید جدا از آن روح شامل تمام، دست به هیچ عملی بزنیم؛ ما نباید جدا از آن روح، با هیچ وضعیتی روبرو شده و یا به هیچ نیازی رسیدگی کنیم؛ ما باید بیاموزیم که آن روح الهی را در روحمان لمس نماییم؛ این اهمیت ذاتی زندگی و کار مسیحی برای تحقق اقتصاد خداست – زکریا ۴: ۶؛ دوم قرن‌تین ۳: ۳؛ رومیان ۱: ۹؛ ۷: ۶؛ فیلیپیان ۳: ۳.

پ. یک مسیحی و یا یک پیروزمند بودن صرفاً مشکل نیست – این غیر ممکن است؛ فقط خدای سه‌یکتای پروسه دیده که به عنوان روح شامل تمام در روحمان زندگی می‌کند می‌تواند یک مسیحی و یک پیروزمند باشد – لوقا ۱: ۳۷-۳۸؛ دوم قرن‌تین ۴: ۱۳؛ رومیان ۸: ۲.

ت. تا وقتی که ما همه کار را بر طبق روح انجام دهیم، می‌توانیم جسم پوشیدن، زندگی انسانی، مرگ، رستاخیز و صعود مسیح را به همراه برون ریزش آن روح تجربه کنیم؛ این باعث می‌شود که ما کلیسای خدا، بدن مسیح، انسان نو، و تاک و شاخه‌ها به عنوان موجودیت خدای سه‌یکتا باشیم، که در اورشلیم نو تکامل می‌یابد – فیلیپیان ۱: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۲: ۱۵؛ ۴: ۴، ۲۳-۲۴؛ یوحنا ۱: ۱۵-۱۱؛ مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۱۹: ۷-۹؛ ۲: ۱۰، ۲: ۲۱.

۵. وقتی که خدا به ایوب ظاهر شد، ایوب خدا را دید، و در تجربه شخصی خود، خدا را کسب کرده و از خودش کراهت داشت – ایوب ۳۸: ۱-۳؛ ۴۲: ۱-۶:

آ. امروز خدای ما همان روح شامل تمام به عنوان کمال خدای سه‌یکتای پروسه دیده و کامل است؛ آن خدا-انسانی که ما امروز بر او می‌نگریم همان روح کامل است، و ما می‌توانیم در روحمان بر او بنگریم – دوم قرن‌تین ۲: ۱۰؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲:

۱. ما خدا را می‌بینیم تا بتوانیم با او ترکیب شویم؛ دیدن خدا ما را دگرگون می‌سازد، و دیدن خدا برابر است با به دست آوردن خدا – دوم قرن‌تین ۳: ۱۶، ۱۸؛ متی ۵: ۸؛ مکاشفه ۲۲: ۴.

۲. ما هرچه بیشتر خدا را دیده و عاشق او باشیم، بیشتر خود را انکار کرده و از خودمان نفرت داریم – ایوب ۴۲: ۵-۶؛ اشعیا ۶: ۵؛ لوقا ۱۴: ۲۶.

ب. برای دیدن خدا، ما باید روحمان را بکار ببریم [تمرین دهیم] – افسسیان ۱: ۱۷-۱۸؛ ۳: ۱۶-۱۷؛ اول قرن‌تین ۲: ۹-۱۶؛ دوم قرن‌تین ۴: ۱۳؛ اول تیموتائوس ۴: ۷؛ دوم تیموتائوس ۱: ۶-۷:

۱. ما هر چه بیشتر در روحمان بر او بنگریم، بیشتر همه ترکیبات او را به عنوان تأمین درونی خود، دریافت می‌کنیم – دوم قرن‌تین ۳: ۱۶-۱۸.

۲. ما در حین مصیبت‌ها می‌توانیم به روحمان توجه کنیم و خداوند را به عنوان محل سکونت و رمز کفایت برای خود برگیریم – دوم قرن‌تین ۲: ۱۳؛ ۷: ۵-۶؛ ملاکی ۲: ۱۵-۱۶؛ مزامیر ۹۱: ۱؛ فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۳؛ مزامیر ۹۰: ۱-۱۲؛ ۳۱: ۲۰؛ اشعیا ۳۲: ۲.

پ. برای دیدن خدا، ما باید به قلبمان رسیدگی کنیم – دوم قرن‌تین ۳: ۱۶، ۱۸؛ متی ۵: ۸؛ ۱۳: ۱۸-۲۳:

۱. ما باید با بازساخت شدن با کلام قدوس خدا، در ذهن روحمان تازه شویم تا با کلام خدا رهنمود شده، اداره، حکم و کنترل شویم – افسسیان ۴: ۲۳؛ تثنیه ۱۷: ۱۸-۲۰؛ فیلیپیان ۲: ۵، ۲.

۲. ما باید با عشق خداوند شعله‌ور باشیم، با احساسی سرشار از او به عنوان غیرت ما برای خانه او – فیلیپیان

۱: ۸؛ دوم قرن‌تین ۵: ۱۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۶-۷؛ یوحنا ۲: ۱۷؛ مرقس ۱۲: ۳۰.  
۳. اراده ما باید توسط مسیح مطیع شده، و با مسیح، از طریق رنج‌ها، دگرگون شود تا تسلیم سروری مسیح گردد (فیلیپیان ۲: ۱۳؛ غزل غزل‌ها ۴: ۱، ۴: ۷؛ آ. ۵)، و ما باید توسط خون گرانبها، پاک و خالص-کننده مسیح یک وجدان نیکو و خالص داشته باشیم (اعمال ۲۴: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۳: ۹؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ ۱۰: ۲۲).

۶. مقصود خدا از رسیدگی به کسانی که عاشق او هستند این است که آنها بتوانند او را به حد کمال به دست آورند، خیلی بیشتر از چیزهای غیر از او که از دست داده‌اند (فیلیپیان ۳: ۷-۸)، تا او بتواند از طریق آنها، برای تحقق مقصودش در آفریدن انسان، ابراز شود (پیدایش ۱: ۲۶).